

م. ع. اطراف

جهان یک قطبی و دوقطبی و اوضاع بحرانی و سردرگم افغانستان

در تصادم انقلاب و جهاد افغانستان امریکا بر شوروی پیروز گردید و به جنگ سرد جهانی خاتمه داده شد. توازن قوا در جهان بر هم خورد. امریکا بحیث تک ابر قدرت جهان قد راست کرد. نظم نوین جهانی از جانب امریکا اعلام گردید که هدف نهایی آنرا دولت واحد جهانی تشکیل میدهد. ویتوی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط کشور چین و فدراتیف روسیه در ارتباط به بحران کشور سوریه، جهان بار دیگر به دوقطب عمده شرق و غرب جبهه گیری کردند که جهان تک قطبی را به چالش کشانید. درگیری های نظامی ده ساله امریکا و ناتو در افغانستان و عراق به روسیه و چین موقع و فرصت را مساعد ساخت تا قدرت اقتصادی و نظامی شانرا سرو سامان بدهند و تا حدودی توازن اقتصادی و نظامی را در جهان برقرار ساختند. امریکا و ناتو که بالای اردوی نیرومند و سلاحهای پیشرفته شان اتکاء و حساب میکردند در برابر جنگهای چریکی و گوریلابی تروریزم تعریف ناشده آسیب پذیر شدند و در مدت ده سال جنگ و ملیارد ها دالرمصارف جنگی و تلفات هزارها عساکر شان نتوانستند به اهداف مطلوبه شان نایل گردند. انگلستان متحد امریکا که در طول چند سده افغانستان را در تفاهم با امپراطوری روسیه در محاصره و منطقه حایل بین شان نگه داشته بودند، افغانستان و این منطقه را تحت نفوذ مشترک شان در انحصار شان داشتند. دولت استعماری انگلیس کشورنا مشروع پاکستان را در جریان آزادی هندوستان در سرزمین های اشغالی افغانستان هندوستان و بلوچستان بخاطر اهداف طویل المدت استعماری خود در این منطقه جهان ایجاد کرد. فضای صلح و آرامش منطقه بخصوص صلح و امنیت افغانستان، بلوچستان و کشور هندوستان را به مخاطره جدی کشانید. با حمله نظامی و اشغال افغانستان توسط امریکا، آیساف و ناتو قلمروهای تحت نفوذ انگلستان و روسیه آسیب پذیر گردید که موجب نارضایتی انگلستان و روسیه شد. این نارضایتی بین امریکا و انگلستان در ولایت هلمند جاییکه بزرگترین معدن یورانیم افغانستان موقعیت داشت به اوج خود رسید. افواهاتی هم نشر شد که انگلستان در هلمند به طالبان سلاح و پول میدهد، انگلستان و پاکستان منافع انحصاری شان را در افغانستان و منطقه در موجودیت دایمی قوای نظامی امریکا و ناتو در افغانستان و منطقه در خطر می بینند. روی همین ملحوظ انگلستان و پاکستان حضور دایمی نظامی امریکا و ناتورا در افغانستان مانع اهداف ستراتیژیک شان میدانند و به تحریکات ضد امریکا و ناتو در افغانستان و پاکستان دامن میزنند و طالبان را تقویت کرده میروند تا سرانجام امریکا

و ناتو افغانستان را ترک نمایند. چنانچه همین فعالیت ها در جبهه ضد امریکا و ناتو به نفع پاکستان در دستگاه دولت افغانستان جریان دارد که نفوذ طرفداران و حامیان پاکستان در دولت آقای کرزی روزتا روز بیشتر شده می‌رود. امریکا، ناتو و آیساف بزرگترین قدرت نظامی جهان افغانستان را اشغال کردند و تدابیری را به زعم خود شان اتخاذ کردند تا افغانستان را که به حفر قبور امپراطوری ها در طول تاریخ شهرت پیدا کرده بود به قبور خود افغانها تبدیل نمایند تا از شکست شان در افغانستان جلوگیری کرده باشند. این تدابیر پیش گیرانه به مشوره و همکاری انگلستان و پاکستان اجرا شد اما نتایج معکوس برای امریکا و ناتو بیار آورد. امریکا و ناتو با این تدابیر پیشگیرانه در زمین زیر پایشان در افغانستان آتش افروختند و جای پای شان را در افغانستان داغ و داغ تر ساختند.

از اوضاع جاری جهان استنباط میشود که جهان امروز بار دیگر در آستانه توازن دو قطبی گام برداشته و جهان یک قطبی را به چالش کشانیده است. امریکا و ناتو برای جهان یک قطبی و دولت واحد جهانی کار و تلاش مینمایند. روسیه و چین با متحدین شان برای جهان دو قطبی کار و مبارزه مینمایند. این مبارزه جدیدن آغاز گردیده، دیده شود که به کدام سمت و هدف به پیش می‌رود و کدام کشورها با کدام یک از این دو جبهه متحد و همکار میشوند. این دو موضع گیری جدید جهانی بالای مسایل افغانستان چه تأثیرات مثبت و یا منفی بجا میگذارد؟ جواب این سوال را خود ما افغانها از زاویه استقلال، آزادی و منافع ملی کشور خود تحلیل و ارز یابی نماییم. احساسات کورکورانه مذهبی و تنگ نظرانه قومی و نژادی را در ارزیابی و تحلیل های مان نباید محک قضاوت و تصمیم مان قرار بدهیم که مارا به بیراهه ها میکشانند. هر نوع اشتباه، کشور مارا به بحران جدید مواجه میسازد که کفاره و قربانی اشتباهات را باز هم مردم افغانستان خواهند پرداخت که مسئولیت آن بدوش رهبران سیاسی، دولتی و مذهبی افغانستان خواهد بود. **باید متوجه شد که در سیاست دوستی و دشمنی مطلق وجود ندارد. دوستی ها و دشمنی ها را در سیاست منافع رقم میزند.** منافع ملی خود را ما افغانها در لابلای دو موضع گیری جدید جهانی باید جستجو و پیدا نماییم. در اوضاع کنونی کشور خود نباید با هیچ کشوراظهار دشمنی نماییم که به منفعت ملی ما نیست. با اظهارات دوستی ما میتوانیم از دشمنان افغانستان هم به منافع ملی خود استفاده کنیم. ما باید یک پالیسی و رابطه متوازن را بین این دو قدرت جهانی بر قرار سازیم. همه کشورهای جهان به نحوی از انحا در ارتباط و تحت نفوذ همین دو قدرت جهانی قرار دارند. مقاطعه با هیچ یک از آنها به منفعت ما نیست. منافع ملی افغانستان در صلح و امنیت کشور، اعمار زیر بناهای اقتصادی کشور و دستگاه های تولید برق، عودت مهاجرین و اسکان مجدد شان، اعمار شاهراه های مصئون ترانزیتی بین

کشورهای آسیای میانه از طریق افغانستان و بلوچستان به بندر بحری میباشد. منافع هرکشور و هر قدرت که با منافع متذکره فوق افغانستان و جوه مشترک داشته باشد، ما باید همراه شان متحد و همکار شویم تا به اهداف مشترک و متذکره فوق خود نایل گردیم که برای ما اهمیت ستراتژیک و حیاتی دارد.

سروصداهای داعیه آزادی بلوچستان در این اواخر از جانب مردم بلوچستان و بعضی مراجع قدرتمند جهان بالا گرفته است که افغانستان نباید در برابر آن بی تفاوت باقی بماند. زیرا اوضاع بلوچستان بالای کشور ما تأثیر گذار است. جریانات اوضاع راتحت نظارت خود داشته باشیم تا در موقع مناسب با در نظر داشت منافع ملی مان با آن برخورد نموده و از تحولات مثبت آن باید حمایت نماییم. نباید فراموش کرد که یک راه ترانزیتی مصئون و بلا مانع بسوی بنادر بحری از اهداف و ستراتژیک ملی کشور ما میباشد که در جریان رویدادهای منطقه نباید ما آنرا نادیده بگیریم بلکه بالای آن کار کنیم که در موقع مساعد اهداف مطلوبه خود را بدست آوریم.

در بعد صلح و جنگ افغانستان جهان به بن بست مواجه شده است. نمیدانند که گره صلح و جنگ افغانستان را چگونه باز نمایند. موضوع کاملن واضح و روشن است که کلید صلح و جنگ افغانستان در دست کشور انگلستان و پاکستان است. اگر کشور انگلستان و پاکستان از مداخلات مخفی، علنی، نظامی، ترورستی و استخباراتی شان در امور داخلی افغانستان دست بردار شوند، قضایای صلح و جنگ افغانستان به ساده گی و آسانی حل شده میتواند. مشکل در اینجا است که بالای انگلستان و پاکستان کدام مرجع بین المللی و جهانی فشار وارد کرده میتواند که انگلستان و پاکستان را وادار سازند که از مداخله در امور داخلی افغانستان دست بردار شوند! اگر دست بردار نشوند بالای شان تعزیرات اقتصادی وضع گردد. چون انگلستان عضویت دایمی شورای امنیت سازمان ملل متحد را دارد هر فیصله نامه ضد خود و پاکستان را ویتو مینماید. بنابراین یگانه راه و چاره دیگر این است که بلوچستان از اسارت پاکستان آزاد ساخته شود و راه ترانزیتی مصئون بین کشورهای آسیای میانه از طریق افغانستان و بلوچستان به بندر بحری گوادری بلوچستان اعمار گردد که به منافع بلوچستان، افغانستان، کشورهای آسیای میانه، کشور هند، امریکا و ناتو و همه کشورهاییکه در افغانستان و آسیای میانه سرمایه گذاری مینمایند میباشد که از حمایت همه این کشورها برخوردار میگردد. در اینصورت اهمیت ستراتژیک پاکستان بی رنگ میشود و پاکستان مجبور میشود که با صلح در افغانستان و منطقه تن در بدهد و از مداخله در امور داخلی افغانستان دست بردار شود. در غیر آن در انزوای مطلق سقوط خواهد کرد.

در بعد داخلی اوضاع کشور ما نسبت به هر زمان قبل بمراتب تاریکتر و مبهم تر پیش بینی میشود. دولت مصلحتی و فاسد آقای کرزی سرمایه های وارده در کشور ما را که از منابع کمک های دوستان بین المللی ما به افغانستان سرانبر شده بود بصورت دلسوزانه و شفاف مدیریت کرده نتوانست بیش از هفتاد فیصد آن در نیمه راه حیف و میل گردید. بدیهی های آن بالای مردم مظلوم و کشور ما سنگینی میکند. پولها را دولت فاسد آقای کرزی و همکاران خارجی اش و این - جی - او های مافیایی در عقد قراردادهای غیر شفاف به یغما بردند. چقدر مضحک و شرم آور است که قروض آنرا مردم بینوای افغانستان باید بپردازند. آقای رئیس جمهور از شش میلیارد دالرخیره بانکی با مباحات و افتخار سخن مگوید و از حیف و میل میلیارد ها دالر لب هم نمی کشاید. و از قروض و بدیهی های افغانستان که در دوره ریاست جمهوری اش به چند میلیارد دالر بالغ گردیده و از کدام کشورها به چه منظور قرضه گرفته شده و به کدام مدارک بمصرف رسیده است به ملت افغانستان گذارش نمیدهد. مردم افغانستان میخواهند بدانند که افغانستان از کدام کشورها چه مبالغ قرضدار است. چه مبالغ آن کمک های بلاعوض و چه مبالغ آن قروض حسنه و بی ربح و چه مبالغ آن قروض ربح دار میباشد. باید و باید رئیس جمهور و وزیر مالیه افغانستان صورت حساب قروض افغانستان را با تفصیلات لازم به آگاهی مردم افغانستان برسانند. تا مردم افغانستان از جریانات مالی کشور خود حالی گردند.

گناه عظیم دیگری را که دولت بی کفایت آقای کرزی مرتکب شده عدم بکار برد بودیجه های انکشافی دولت در اعمار و باز سازی کشور میباشد که از ضروریات اولیه و اساسی مردم و جامعه ما بود و هست که سرمایه ها را کد مانده باید در خدمت مردم بکار برده میشد در حالیکه مردم در فقر، رنج و بد بختی به سر میبرند. مسئولیت آن به عهده رئیس جمهور است که چرا وزرای با کفایت، دلسوز و مردم دوست را مقرر نکرده است که بمردم و وطن خود خدمت میکردند.

مشکل دیگر کشور ما در این است که جامعه افغانی جسماً در عصر تلویزیون، کمپیوتر، انترنت، موبایل و سایر تسهیلات و کشفیات محیر العقول جهانی زندگی مینمایند و از تسهیلات و افزار مذکور عملن استفاده مینمایند. اما از لحاظ فکر، ذهن و معرفت صد ها سال عقب مانده اند. این خلای زمانی بین جسم و افکار اکثریت افغانها، اذهان مردم ما را در قید و بند احساسات کوکوران مذهب و احساسات عقبگرای قومی و نژادی در اسارت گرفته که جلو آن در دست استخبارات کشورهای همسایه افغانستان قرار دارد. هر وقتیکه خواسته باشند احساسات مردم ما را تحریک مینمایند و به خشونت میکشانند و اهداف شانرا بر آورده میسازند. نباید فراموش کرد که هر خشونت از خود بهای سیاسی،

اقتصادی و تلفات انسانی در بر دارد که ناگذیر پرداخته میشود. هر تظاهرات مسالمت آمیز که به خشونت منجر شود آب را به آسیاب دشمنان افغانستان میریزد و گناه عظیم قتل انسانهای بیگناه را نیز در قبال دارد.

چون دانش علوم اسلامی اکثریت علمای دینی افغانستان در سطح بسیار نازل قرار داشته و دارد و تا حال نتوانسته اند اذهان جامعه افغانی را با احکام عقلانی و اخلاقی دین مبین اسلام روشن و مجهز سازند. تا مردم و جایب شانرا در قبال حب الوطن و حب الاخرت درک میکردند و به آینده میاندیشیدند و افغانستان را بسوی پیشرفت و ترقی و رفاه اجتماعی سوق و هدایت مینودند و از احساسات کورکورانه و عقبگرانه مذهبی و قوم گرایی در امور و مسایل سیاسی و اجتماعی کشور اجتناب میکردند و جامعه افغانی را به انجماد فکری و افغانستان را به عقب ماندگی و تباهی نمی کشانیدند. اگر علمای دین احکام عقلانی و اخلاقی دین مبین اسلام را در بین مردم تبلیغ و ترویج میکردند، چور و چپاول های دارایی های عامه و اشخاص، فساد، رشوت ستانی و تقلب ها برای کسب قدرت و بی عدالتی، تبعیض و بی اعتمادی ها در جامعه ما به وسعت امروز وجود نمیداشت. و هر کس مسئولیت خود را در برابر احکام خداوند متعال، فامیل خود، وطن و جامعه خود درک میکردند و افغانستان به این مصیبت ها، تلفات عظیم انسانی و خسارات هنگفت اقتصادی و بربادی کشور دچار نمیگردید.

مشکل دیگر کشور ما را شبکات استخبارات منطوقوی و جهانی تشکیل میدهد که دام های شان را در بخشهای سیاسی، اقتصادی، اداری و امنیتی کشور ما تنیده اند که کنترل و حاکمیت کشور ما را در همه بخش ها مستقیم و یا غیر مستقیم به گروگان گرفته اند و شخصیت های ملی، فعال و با نفوذ کشور ما را ترور مینمایند. حل گره این مشکل در دست هر فرد افغان میباشد که موجودیت چنین اشخاص و شبکات را در محلات کار و زیست شان تشخیص نمایند و با ارسال نامه های سری و مخفی هویت شان را به مراجع امنیتی کشور اطلاع بدهند و فریب دسایس شان را نخورند.

اطلاعات واصله از افغانستان میرساند که مردم افغانستان دورنما و آینده ی کشور شان را مبهم و تاریک مینگرند و در حالت تشویش، اضطراب و بی باوری بسر میبرند. نمیدانند که افغانستان بعد از خروج عساکر خارجی در سال ۱۴۰۲ به کدام جهت کشانیده خواهد شد، بسوی صلح و یا جنگ. فروش جایدادها و انتقال ما حصل فروش آن بخارج از کشور به این بی باوری ها افزوده است. دولت فاسد نتوانسته جلو آنرا بگیرد زیرا خود شان در این روند شامل هستند. اگر جلالتماب حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان در

این اوضاع حساس کشور عفو عمومی و آشتی ملی را اعلام نکند و برای وحدت سراسری ملی کار نکند و در فکر و پلان ایجاد دولت با پایه های وسیع نباشد و در عوض به افراط گرایان مذهبی و عقب گرا و قوم گرایان کوتاه نظر و حامیان و دست پرورده های پاکستان امتیاز بیشتر بدهد و دولت ائتلافی را همراهی شان بسازد و سرنوشت افغانستان را به افراط گرایی بکشانند. بدون شک خصومت های جنوب و شمال بعد از خروج عساکر خارجی از افغانستان به درگیری های نظامی خواهد انجامید که مسئولیت آن بدوش رئیس جمهور خواهد بود.

مردم افغانستان باید متوجه باشند که پاکستان یکبار مردم ما را به حیث سپر دفاعی پاکستان علیه شوروی استعمال کرد و حال که مناسباً تش با امریکا و ناتو خراب شده میخواید مردم افغانستان را بار دیگر بحیث سپر دفاعی پاکستان علیه امریکا و ناتو استعمال نماید. ماباید روابط و مناسبات مان را با امریکا و ناتو و سایر کشور ها بر اساس منافع ملی کشور خود تنظیم نماییم نه بر مبنای منافع پاکستان. همه بخاطر دارند که پاکستان چند مدت قبل با فیر توپ های ثقیل و راکت ها بر ولایات شرقی افغانستان ده ها هم وطن ما را بيموجب بقتل رسانید که دولت مردان افغانستان هیچ عکس العملی علیه آن از خود نشان ندادند. تعرضات پاکستان ادامه داشت تا اینکه ناتو بالای پوسته نظامی پاکستان که در داخل خاک افغانستان پیشروی کرده بود حمله کرد و ۲۴ عسکر متجاوز پاکستان را به قتل رسانید و حملات راکتی و توپخانه پاکستان هم متوقف گردید. پاکستان از تاریخ تولد نامشروع اش تا امروز از هروسیله و دسیسه ممکنه کار گرفته و دشمنی های خود را علیه وطن و کشور ما ادامه داده تا کشور ما را ضعیف ساخته و در اسارت خود آورد. چنانچه این اهداف شوم اش به اثبات رسید و تلفات عظیم انسانی و تباهی کشور ما را سبب شد و اردوی ملی افغانستان را توسط عمال خود متلاشی ساخت که نواز شریف صدر اعظم وقت پاکستان آنرا از شاهکارهای دوره صدارت خود به پارلمان پاکستان گزارش داد. امروز پاکستان دفعتن یکصد هشتاد درجه عقب گرد کرده و ادعای دوستی مینماید. غیر از آقای کرزی رئیس جمهور افغانستان هیچ افغان دیگری این مانورهای پاکستان را صادقانه نمیداند و آنرا فریب و دسیسه میدانند تا افغانها را علیه امریکا و ناتو به نفع خود استعمال نماید. باید مردم افغانستان هوشیار باشند که بار دیگر فریب پاکستان را نخورند.

مشکل دیگری کشور ما را فساد اداری، رشوت ستانی، انارشی و قانون شکنی در دستگاہای دولت تشکیل میدهد که علت اساسی آن نظام مطلق العنان ریاستی میباشد که رئیس جمهور صلاحیت و اختیارات عام و تام دولت را بخود منحصر ساخته است و تا

پای جان از نظام ریاستی دفاع مینماید که جلو هر نوع ریفورم ها و اصلاحات اداری را سد نموده است. آقای کرزی میخواهد در عین زمان هم غازی و هم شهید باشد که امکان آن وجود ندارد. فساد اداری یک پدیده شوم است که در نظام های خود مختار و خود کامه بیشتر ریشه میدواند. مهره های فساد و نظام لجام گسیخته اداری از علل دیگر فساد در افغانستان میباشد. تا سیستم اداری فعلی به سیستم اداری کنترل شده تعدیل نگردد و مهره های فساد از اداره دولت تصفیه نشود، مبارزه مجرد با فساد و یا با رنگ آمیزی کردن چهره های مهره های فساد که در بخش مبارزه با فساد تمثیل میشود هیچ نتیجه مثبت بدست آمده نمیتواند. اگر آقای رئیس جمهور میخواهد که فساد را از ادارات دولتی خود پاک نماید باید عاملین فساد را از دستگاه دولت خود تصفیه نموده بعوض شان افراد پاک نفس، صادق و با کفایت را مقرر نماید، فساد خود بخود زایل میگردد و در سیستم اداره دولتی هم اصلاحات و ریفورم های مؤثر بوجود میاید. در غیر آن پول مصرف میشود، وقت هم ضایع میشود و نتیجه مثبت بدست نمیاید.

آقای حامد کرزی رئیس جمهور کل افغانستان است و در قسمت معارف و تعلیم و تربیه اولاد کشور خدمات شایان و ارزنده ی را انجام داده که قابل قدر میباشد. توقع میرفت که رئیس جمهور بعوض تربیه یکصد پنجاه هزار طلبه در چوکات مدارس سنتی سابقه شبه مدارس پاکستانی که افراط گرایی و عقب گرایی را در کشور تقویت خواهد کرد، مکاتب علوم اسلامی را به اضافه علوم ساینس مانند مکاتب اسلامی در سایر کشورهای اسلامی تأسیس میکرد و همین یکصد و پنجاه هزار طلبه را در آن تدریس میکرد که هم علوم دینی و هم علوم ساینس را می آموختند که مردم خود رابسوی ترقی و پیشرفت در دین و دنیا هدایت و رهبری کرده میتوانستند. دولت های ملی همیشه جوامع کشورهای شان را بسوی روشنی ها و آینده های درخشان رهبری، سوق و هدایت مینمایند نه در جهت افراط گراییها و عقب گراییها.

در عصر حاضر خلالی بزرگ بین برداشتهای علوم اسلامی و پیشرفتهای ساینس و تکنالوژی بوجود آمده که باعث بعضی ابهامات در بین نیمچه ملاها و طالبان در افغانستان گردیده. اگر علمای دین اسلام بپذیرند که همه مخلوقات خداوند از یک زره گرفته تا همه کاینات که شامل انسانها، حیوانات و همه زنده جانها، نباتات، مایعات، گازات و جامدات و غیره موجودات از قبیل آفتاب، مهتاب، سیارات و کهکشانها و غیره مخلوقات خداوند میباشد که تنازع بقای شان توسط قوانین خداوندی نظم یافته است که انسانها بعضی از قوانین خداوندی را در مسیر تاریخ از طریق کاوشها و اختراعات کشف کرده اند که امروز قوانین تنازع بقای مخلوقات خداوند علوم ساینس نامیده میشود که با

عقاید اسلامی تضاد نداشته بلکه باهم منشأ و ناظم واحد دارد که خداوند است. در جامعه افغانستان تضاد این دو علم دامن زده شده است و مانع پیشرفت و ترقی کشور و بهروزی مردم ما شده است و مکاتب افغانستان روی برداشتهای غلط آتش زده میشود.

به علمای دین اسلام پیشنهاد میشود که موضوع را با دقت تدقیق و مطالعه نمایند و منشأ هر دو علم را پیدا نمایند و در زمینه روشنی بیاندازند تا ابهامات رفع شود و مکاتب افغانستان دیگر سوزانده نشود و اطفال افغانستان از رفتن به مکاتب محروم ساخته نشوند.

سوال آخری اینست که ما افغانها از همین حالا چه باید بکنیم که بعد از خروج عساکر خارجی از افغانستان بتوانیم از کشور خود مستقلانه دفاع نماییم و از بروز جنگهای داخلی در کشور خود هم جلوگیری نماییم.

جواب بسیط و ساده است. آقای کرزی رئیس جمهور افغانستان زمینه آنرا فراهم سازد که قبل از به پایان رسیدن دوره ریاست جمهوری اش یک کابینه ائتلافی از شخصیت های دانشمند، صادق، باکفایت و ملی از بین پایه های وسیع سیاسی و اجتماعی در کشور که دستشان بخون و چور و چپاولها آغشته نباشد انتخاب و تشکیل گردد و اداره دولت به همین کابینه ائتلافی با پایه های وسیع تسلیم داده شود. وحدت سراسری ملی هم بوجود میاید. دولت با پایه های وسیع به پشتوانه وحدت ملی میتواند با هر رویداد مقابله و از صلح و امنیت کشور دفاع نماید. و من الله توفیق

۳ حمل ۱۳۹۱